

## قدر عافیت را بدانیم

روشنفکران چگونه کنش‌های خود در حوزه عمومی را سامان بخشند؟

منبع: مجله آسمان، شماره ۶۸، شنبه ۱۶ آذرماه ۱۳۹۲

هنگامیکه دفتر سیاست در دیاری ورقی می‌خورد و برخی از تزییقات و موانع برطرف می‌شود، بهتر است اهالی فرهنگ و روشنفکران چگونه کنش‌های خود در حوزه عمومی را سامان بخشند؟ در سده‌های پیشین و پیش از سربرآوردن مدرنیته و ساز و کار دموکراتیک، شاعری چون حافظ که نقاد زمانه خویش بود و اوضاع را به دقت رصد می‌کرد، هنگامیکه شاه شجاع بر تخت سلطنت نشست و گشایشی در فضای اجتماعی و سیاسی پدید آمد، خرسندی خود از تغییر اوضاع را صراحتاً ابراز کرد:

شد آنکه اهل نظر برکناره می‌رفتند  
هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش  
به بانگ چنگ بگویم آن حکایت‌ها  
که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش

دورانی که گذرگاه عافیت تنگ بود و اهل نظر جریده می‌رفتند، سپری شده و مجالی فراهم شده بود برای بازگویی حکایت‌هایی که از نهان کردن آنها دیگ سینه غل می‌زد. در دوران جدید، در بسیاری از کشورها طومار پادشاهی در هم پیچیده شده و یا اگر هم نهاد سلطنت همچنان برقرار است، نظیر انگلستان و هلند، پادشاه نقش چندانی در مدیریت سیاسی کشور ندارد. قوای چندگانه کشور از یکدیگر تفکیک شده، سخنانی از سنخ اشعار فوق، در مطبوعات و رسانه‌ها که رکن چهارم دموکراسی به حساب می‌آیند، منتشر می‌شود و پیش چشم همگان قرار می‌گیرد، خصوصاً در دو دهه اخیر که مصادف است با ظهور رسانه‌های رنگارنگ و انفجار شبکه‌های اجتماعی متعدد. در هنگامه‌ای که گشایشی، ولو نسبی در فضای سیاسی جامعه امروزی پدید می‌آید، روشنفکران به عنوان جماعتی که مخاطبان متعددی، خصوصاً در میان طبقه متوسط شهری دارند، می‌توانند در فضای عمومی نقش‌آفرینی کنند و در جای خود تأثیرگذار باشند. به عنوان مثال، حضور مرحوم شریعتی در حسینیه ارشاد و ایراد سخنرانی‌های آتشین، خصوصاً در سالهای آخر فعالیت حسینیه ارشاد در دهه پایانی رژیم پهلوی، بدون تردید تأثیر شگرفی بر مخاطبان او داشت و اسباب و ادوات لازم برای قرائت انقلابی از اسلام و عصیان کردن علیه نظام سیاسی موجود را بدست ایشان می‌داد. در روزگار کنونی نیز، روشنفکران با تشخیص خود از چگونگی مناسبات و روابط و در جهت بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور سخن می‌گویند و رفتار می‌کنند. عموم روشنفکران ایرانی در دو دهه اخیر، با پیش چشم داشتن فضای انقلابی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی اروپا و آمریکای لاتین، تأمل در تجربه زیسته خود در سه دهه اخیر و عبرت گرفتن از آنچه در کشورهای منطقه در سالیان اخیر رخ داده، نگاه انقلابی را بالمره فرو نهاده و به جای شکافتن سقف فلک و در انداختن طرحی از بیخ و بن نو، در اندیشه اصلاح گام به گام و تدریجی جامعه‌اند. از این رو،

چنانکه درمی‌یابم، در شرایطی که گشایشی در فضای سیاسی جامعه ایران پدید می‌آید، نظیر آنچه در چند ماه اخیر رخ داده، روشنفکران باید فرصت را مغتنم شمرده و بیش از هر چیز در اندیشه تقویت نهادهای مدنی در جامعه برآیند و با طرح و برجسته کردن مطالبات مدنی، مخاطبان خود را به سوی کاشتن نهال‌های مدنی‌ای سوق دهند که در آینده محکم نهاد می‌شوند و به درختان تنومندی بدل می‌گردند که از باد و باران گزند نمی‌یابند. روشنفکران، اینچنین می‌توانند در راستای اصلاح جامعه گام‌های مؤثر و ماندگاری بردارند. عنایت داشته باشیم که روشنفکر، سیاستمدار نیست و در پی کسب قدرت و منصب سیاسی نیست و از چانه زنی‌ها و محاسبات و مصلحت‌سنجی‌های مرسوم در عالم سیاست به دور است؛ بلکه چشم‌بیدار جامعه است و به دقت آنچه را پیرامون او می‌گذرد، رصد می‌کند و درباره آن اتخاذ موضع می‌کند. از این‌رو هم دلمشغول مناسبات و روابط سیاسی جاری است و در جای خود بدان می‌پردازد و مثلاً سخن فلان نماینده مجلس و یا رفتار بهمان دولت‌مرد را در فضای عمومی نقد سازنده می‌کند. در عین حال، اصناف و طبقات مختلف جامعه نظیر کارگران و معلمان و نویسندگان و وکلای را تشویق می‌کند که مطالبات صنفی و مدنی خود را از طریق نهادهای مدنی پی‌بگیرند. از سوی دیگر، روشنفکر حوزه عمومی به باورها و عادات و سنن جاری میان مردم نیز حساس است و به بازخوانی و نقد و پالایش آنها همت می‌گمارد. در جامعه ما که معتقدات و کنش‌های عموم مردم از منابع دینی سرچشمه می‌گیرد، این مهم از طریق بازخوانی سنت دینی صورت می‌گیرد. بدین معنا، روشنفکر با مخاطبان خود عقد اخوتی نبسته و بنا ندارد همیشه سخنانی بگوید که ایشان بیسندند. بلکه، به جای خود و در صورت لزوم، با صورتبندی مسائل و اقامه ادله‌ای چند، باورهای ایشان را نقد می‌کند؛ در عین حال به قدر طاقت بشری در نظام‌مند کردن مطالبات مدنی و پیگیری آنها از طریق نهادهای مدنی می‌کوشد.

روشنفکر قلمرو عمومی، با فرو نهادن گفتمان تند انقلابی، قدر عافیت را می‌داند، از فضای باز نسبی ایجاد شده در فضای سیاسی کشور، برای طرح راهکارهای خویش بهره می‌برد و دلمشغول تأسیس و تقویت نهادهای مدنی است. همچنین، عنصر نقادی را هیچگاه فرو نمی‌نهد و در جای خود سخنان و کنش‌های سیاستمداران را از منظر اخلاقی و در راستای منافع ملی نقد می‌کند؛ در عین حال این امر او را از نقادی باورها و عادات و سنن باطل جاری در میان مردم باز نمی‌دارد. چنین روشنفکری، رسالت و هویت خود را تنها در نقد و نفی وضعیت موجود تعریف نمی‌کند و فضا را خاکستری رنگ می‌بیند، نه سفید و سیاه؛ از این‌رو در موعد مقتضی، از اقدامات خوب و رهگشایی که در راستای منافع ملی کشور رخ می‌دهد و متضمن بهبود وضعیت معیشتی و فرهنگی و روانی شهروندان است، استقبال می‌کند.